



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان پژوهش
اشعار غنایی در شاهنامه

استاد راهنما
دکتر حسین نجف دری

شعله غلامعلی شاهی

تاریخ دفاع

صلى الله عليه وسلم

چکیده

فردوسی، سراینده‌ی حماسه‌های پهلوانی و توصیف صحنه‌های پیکار به مقتضای روند‌ها در وصف مجلس‌های بزم یا در سوگ و ستایش پهلوانان استعداد خویش را به نمایش می‌گذارد؛ به بیان دیگر فردوسی در سرودن نوع غنایی نیز همچون

چنان که می‌دانیم اشعار غنایی انواع مختلفی دارد، این پژوهش سه قسم از اشعار غنایی، یعنی عشق، سوگ و ستایش را در بخش پهلوانی شاهنامه بررسی می‌دهد که فردوسی علاوه بر مهارتی که در توصیف صحنه‌های نبرد و پیکار دارد، در ترسیم صحنه‌های ه و روابط میان عاشق و معشوق، همچنین در سرودن اشعار مدحی و مرثیه نیز مقام قابل توجهی دارد. در واقع پژوهش حاضر نمایانگر هنر بی‌فردوسی در سرودن اشعار غنایی و تلفیق ماهرانه

واژگان کلیدی: ، پهلوانی، غنایی
شاهنامه

هرست مطالب

فجه

.....	پيش
.....	فصل اول: فردوسي و شاهنامه
.....	
.....	تاريخ تولد و وفات
.....	
.....	كنيه و تخلص شاعر
.....	طبقه ي اجتماعي شاعر و وضعيد
.....	مذهب فردوسي
.....	تدوين شاهنامه
.....	خذ شاهنامه
.....	سبك شاهنامه
.....	ي پهلواني شاهنامه
.....	ها
.....	:
.....	تعريف انواع ادبي
.....	شعر تعليمي
.....	شعر نمايشي
.....	
.....	
.....	مهمترين دوره
.....	شعر غنايي
.....	انواع ادب غنايي
.....	منظومه هاي غنايي
.....	سير تاريخي انواع غنايي
.....	تقدم حماسه يا غنا
.....	تفاوت شعر غنايي و شعر حماسي

ها

: هاي اشعار اشقانه در شاهنامه

.....

.....

تأثير عشق

ها

هاي عاشقانه ي شاهنامه

..... رودابه و زال

..... سودابه و كي كاوس

..... رستم و تهمينه

..... سهراب و گرد آفريد

..... سیاوش و سودابه

..... بيژن و منيژه

..... گشتاسپ و كتايون

هاي مصلحتي

..... سیاوش و جريره

..... سیاوش و فرنگيس

..... فربرز و فرنگيس

ويژگي هاي ها عشقي بخش پهلواني شاهنامه

آفريني زنان در داستان ها

.....

ام بودن داستان ها و به ازدواج منجر شدن

آنها

..... برون هم

معاشقه ها: عنصر ي جدايي ناپذير ... ها

..... عشق و معاشقه

زيبائي زن در نظر مرد

..... ه ي عشق و زيبائي

..... زن زيباي شاهنامه

..... چهره ي زيبا

..... چشم و ابروي زيبا

لب و دهان زیبا
موی زیبا
داشتن پوستی سپید
()

آراستگی (داشتن زینت و آرایش)
خردمندی و هنرمندی
پوشیده رویی
از ویژگی‌های جسمانی زنان شاهنامه ...
پهلوانی، دلاوری و خوش سیمایی مردان شاهنامه ..
مرد محبوب شاهنامه
ها

بررسی شخصیت‌های اصلی داستان‌ها
زال و رودابه و سیندخت
کی کاوس و سودابه و سیاوش
سیاوش، جریره و فرنگیس
رستم و تهمینه
سهراب و گرد آفرید
بیژن و منیژه
کتایون و گشتاسپ

های عاشقانه‌ی بخش پهلوانی شاهنامه

.....
ها

فصل چهارم: مراثی و سوگ نامه‌های بخش پهلوانی

شاهنامه
مرثیه
منشأ رثا و اولین مرثیه
مرثیه سرایی در ایران پیش از اسلام
انواع مرثیه
زبان مرثیه
وزن و قالب مرثیه
مراثی شاهنامه

مراثي شخصيتهاي ايراني.....

.....

.....

..... سهراب

..... سیاوش

.....

..... ريو

.....

..... اردشير

..... شيدسپ

.....

..... نيوزار

..... رير

..... فرشيد ورد

..... اسفنديار، مهنوش و نوش آذر

.....

..... تشييع جنازه

..... مراثي شخصيتهاي توراني

..... سرخه

..... نستيهن

..... پيران

..... لهاك و فرشيد ورد

..... شيده

.....

..... نکات كلي مراثي شاهنامه

..... ويژگيهاي بارز مراثي بخش پهلواني شاهنامه

..... ذکر صفات نيك مرده

..... صحبت از جذابيتهاي ظاهري فرد و حسرت خوردن به خاطر

..... از میان رفتن آنها

.....

.....

نفرین قاتل یا افرادی که به نوعی مسبب مرگ فرد

.....

سوگند یاد کردن برای گرفتن انتقام شخص کشته شده

..... **ترین مرثیه‌ها**

..... **رسوم رایج در سوگواری‌ها**

گریه وزاری کردن، موی کندن، روی شخودن، خاک بر سر

..... ریختن و جامه چاک کردن

..... گیسو بریدن زنان

بوسه بر سر و روی اسب متوفی زدن
خاک بریال اسب متوفی ریختن و بریدن دم اسب ...
شستن پیکر

برداشتن در تابوت و نشان دادن پیکر مرده به عزیزان
و اطرافیان
از بین بردن املاک مرده
دادن اموال متوفی و متعلقات او به درویش
ها

فصل پنجم: اشعار مدحی و ستایش در بخش پهلوانی

شاهنامه
و ستایشی
.....

هدف شاعر مدیحه سرا
جهات مثبت شعر مدحیه
شعر مدحی در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم (هم زمان
.....)

اشعار مدحی و ستایشهای شاهنامه (بخش پهلوانی) ..
ستایشها و اشعار مدحی شاهان و سلاطین بخش پهلوانی

شاهنامه
منوچهر
.....
.....
.....

افراسیاب
ستایشهای ویژه پهلوانان بخش پهلوانی شاهنامه

.....
.....
.....

پیران
اسفندیار
یها

دو ستایش از فرنگیس، همسر دوم سیاوش از زبان گیو و

.....

.....

اشعار ستایشی دو یا سه بیتی

نکات کلی اشعار مدحی شاهنامه

مدح از خویشتن

نموداری از ستایش‌های بخش پهلوانی شاهنامه ...

..... ها

..... نتیجه

.....

..... چکیده‌ی انگلیسی

پیش

شاهنامه، این اثر ادبی والا و سترگ، به طبع رسیده است و محققان بسیاری اعم از ایرانی و خارجی به ارزشمندی این اثر اعتراف کرده اما هرچه بیشتر این اثر بی‌نظیر سخن گفته شود، نه تنها تکرار مکررات نیست، بلکه تحقیق و تدبیر را نیز می‌بینیم.

شاهنامه تنها یک اثر ادبی بی‌نظیر نیست که فقط ی ادبیات به نمایش گذاشته است. این کتاب حاوی مفاهیم بسیار والا و عالی است که مایه افتخار ایران و ایرانی است. در سراسر این اثر، نکوهش بدی و پلیدی و ستایش پاکی و مردانگی به چشم می‌آید. نکات حکمی، عرفانی، اخلاقی و تربیتی بسیاری در هایش جای دارد و همین است که شاهنامه را از یک اثر حماسی صرف و خشک و خشن به کتابی لطیف و عبرت آموز تبدیل کرده است. علاوه بر نکات عبرت آموز اخلاقی شاهنامه، عاطفه و عشق را می‌توان در آن به لایه‌های بسیاری از ابیاتش یافت؛ عشق به یکدیگر و عشق به . هر ایرانی با خواندن ابیات ناب این اثر

شوق این سرمستی حاضر نیست کتاب را نیمه تمام رها

در مقاله‌ای به نام «شاهنامه و هویت ملی ایران» جمله ارزشمندی این اثر دارد که دریغ است از آن بگذریم. او توانسته است اهمیت والای شاهنامه را در این جمله به خوبی بیان کند: «امروز از یکی از کهکشان‌های دوردست با ما تماس بگیرند و بخواهند که به شتاب همین روز فقط دو کتاب نمونه که معرف شخصیت ملی ما باشد برای ایشان بفرستیم، بنده گمان دارم که شاهنامه

الدین بلخی را می‌توان اختیار کرد.
جای چانه باقی بود، بوستان و گلستان را نیز به آن
پیوست می‌کنیم.»

به هر حال جای هیچ شکی نیست که شاهنامه بزرگترین
سرمایه‌ی فرهنگ ایرانی است. این کتاب نه تنها در ادب
ایرانی جایگاه والایی را به خود اختصاص داده است،
بلکه در ادبیات ملل جهانی جزء آثار حماسی درجه‌ی یک

همان طور که گفته شد شاهنامه یکی از نمونه‌های
شود. هر فرد با شنیدن نام
شاهنامه بی‌درنگ حماسی بودن شاهنامه را در نظر
گیرد و جنگ‌ها و رزم‌های بی‌شمار این کتاب را به
آورد. البته در حماسی بودن این اثر جای هیچ
شک و شبهه‌ای نیست اما بسیاری از مردم و حتی ادیبان
اهل فن، هنر فردوسی را به بیان مسائل
دانسته‌اند و آنان که کمی فراتر رفته به جنبه‌های
تعلیمی این اثر نیز اشاره کرده‌اند، در صورتی که
حکیم طوس در بیان نوع غنایی نیز تبحر خاص دارد. در
صفحات آینده می‌خوانیم که غنایی چیست و چه
اقسامی دارد. این پژوهش سه قسم از نوع غنایی: اشعار
نامه، سوگ نامه یا مرثیه و مدح و ستایش را در
بخش پهلوانی شاهنامه بررسی کرده است تا از این طریق
هنر شاعر در سرودن اشعار غنایی نیز آشکار گردد.
حکیم بزرگ علاوه بر سرودن ابیات رزمی و حماسی به
بیان داستان‌های زیبای عاشقانه نیز پرداخته .
واقع چنین داستان‌هایی شاهنامه را از تک رنگی در
آورده و به آن رنگ زیبای عشق نیز داده است. علاوه بر
که شاعر به تک تک شخصیت‌های محبوب خود عشق
ورزیده، از مرگ آنان اندوهگین نیز شده و مرثیه‌ی
سوزناکی را برای آنها سروده است. مرثیه‌ی که با
خواندن برخی از آنان در سوگ شخصیت محبوب

نشینیم و برای لحظاتی حماسی بودن کتاب را فراموش کنیم. همین طور است ستایش‌های زیبای فردوسی برای شخصیت‌های محبوبش.

هدف این تحقیق نیز این‌هاست. این‌ها غنای شاهنامه است تا بر همگان روشن شود که شاهنامه تنها اثر حماسی و به جنگ و خونریزی منحصر نیست، بلکه در کنار حماسی بودنش اثری بسیار لطیف و نافذ است. به همین منظور این تحقیق به پنج فصل تقسیم شده است:

فصل اول: این فصل شامل مطالبی فردوسی و شاهنامه است.

: جا که شاهنامه جزء یکی از انواع ادبی یعنی ادب حماسی است و این پژوهش های غنایی آن یا به عبارت بهتر نوع غنایی آن است، در این فصل به تعریف انواع ادبی و اقسام آن، به ویژه دو نوع حماسی و غنایی پرداخته می‌ها و نقاط تلاقی دو نوع حماسی و غنایی بیشتر

فصل سوم: در این فصل یکی از مشهورترین انواع غنایی، یعنی اشعار عاشقانه در شاهنامه بررسی شد. ابتدا چکیده‌ای از تعاریف عشق و نظر بزرگان درباره های عاشقانه‌ی بخش پهلوانی

شاهنامه و ویژگی‌های مشترک آن بیان شد. های عشقی و ازدواج‌های شاهنامه آ نیز منظور گشته است تا هرچه بیشتر با فضای های عشقی آشنا شویم.

فصل چهارم: این فصل شامل مرثی‌ها یا سوگ‌نامه‌هایی است که فردوسی در سوگ شخصیت‌های خود سروده و الحاق کرده است. از طریق این اشعار سعی شده است مراسم رایج سوگواری‌ها در ایران باستان نیز بررسی شود.

فصل پنجم: در این فصل اشعار مدی و ستایش‌های بخش پهلوانی شاهنامه بیان شده است.

واضح است که شاهنامه به سه بخش اساطیری، پهلوانی و تاریخی تقسیم می‌شود. بخش اساطیری از زمان کیومرث تا فریدون را در بر می‌گیرد، بخش پهلوا تا قتل رستم و بخش تاریخی از عهد کیانی تا شکست ایرانیان از اعراب است. همان طور که پیشتر گفته شد، ی این پژوهش به بخش پهلوانی شاهنامه منحصر

روش کار در این پژوهش پس از مشاوره و رایزنی با استادان محترم به شرح زیر است:

- عه و تحقیق درباره وسی و شاهنامه و همچنین انواع ادبی.

- یادداشت برداری کامل از بخش پهلوانی شاهنامه بر اساس شاهنامه که در حال حاضر معتبرترین چاپ شاهنامه

- نبی و متونی که به نحوی با موضوع مورد بحث ارتباط داشت و یادداشت برداری از آنها.

- نوشتن برگه‌ها و مطالب فراهم شده، ویرایش و تهیه هرست و مقدمه.

در این جا جا دارد از مسئول محترم کتابخانه پژوهشگاه جناب آقای امیرفریار به پاس کمک‌های دریغشان و یاری دادن اینجانب در دسترسی یافتن به منابع صمیمانه سپاسگزاری نمایم. برای ایشان از تعال بهترین‌ها را خواستارم.

در پایان برخود لازم می شائبه استاد گرانقدر جناب آقای دکتر حسین نجف دری که عهده‌دار هدایت و راهنمایی اینجانب بودند و با نکته سنجی و ظرافت نظرشان مرا در پیشبرد این رساله یاری کردند، همچنین از استاد عزیز جناب آقا ابوالقاسم رادفر برای دقت نظر و راهنمایی‌های

دريغشان صميمانه تشكر و قدرداني نمايم. از جناب آقاي دكتور مقدس نيز كه بر نگارنده منت نهاده و داوري اين رساله را برعهده گرفتند و با نظرات هوشمندانه‌ي خود اينجانب را در اصلاح هرچه بهتر اين رساله ياري كردند .

اميد است نگارنده از اين طريق توانسته باشد هاي غير حماسي اين كتاب را نمايان سازد و هنري ديگر از هنرهاي بي‌نظير استاد طوس را .

فردوسي وشاهنامه

تاریخ تولد و وفات: «این شاعر بلند مقام یا در (- ه . ق) یا به جهان هستی نهاده است و یا (- ه . ق) این دوتاریخ را محققان از روی اشاراتی که خود شاعر در خلال شاهنامه به های عمر خود و نیز به تاریخ اتمام نهایی شاهنامه کرده است به دست آورده .

و به روای هجری قمری نوشته .
آزاده را در باغ خودش که درون دروازه‌ی شهر طوس بوده است، به خاک می .

: مولد و موطن شاعر بنا بر گفته‌ی بیشتر تذکره نویسان و مورخان، بخش طبران یا طابران شه طوس است. البته «در یکی از روستاهای بخش طابران طوس به نام باژ که امروز فاز نامیده می کیلومتری شمال شرق مشهد قرار دارد.»
نیز در همین شهر و در درون باغ خانه .

کنیه : «همه‌ی منابعی که هر کدام به مناسبتی از استاد سخن، فردوسی طوسی، نام برده، یا احوال و اشعار او و شاهنامه سخن گفته در کنیه‌ی وی که « و تخلص وی که « و موطن او که شهر « نام وی و نام پدر و نام نیایش را در مخفی که ذکر کردند، مختلف نوشته‌اند؛ بدین توضیح که نام او را « و برخی دیگر «

دیگر «
و یا « نوشته و نام جد او را « یا « دانسته‌اند و دلیلی در دست نیست که بر اساس آن بتوان یکی از این نام‌ها را بر دیگری برتری .«

طبقه‌ی اجتماعی شاعر و وضعیت زندگانی او: تقریباً
بعی که به نوعی از فردوسی و سرگذشت او سخن

گفته ی او را جزء طبقه ی دهقانان دانسته . **دهخدا نامه** ذیل واژه ی دهقان این : «معرب و مأخوذ از دهگان فارسی

(ده + گان، پسوند نسبت) منسوب به ده، و آن در قدیم به ایرانی اصیل صاحب ملک و زمین اعم از ده نشین و شهر نشین اطلاق می شده است . . . رئیس اقلیم، کسی را یند که مقدم ناحیه ای از قراء باشد . . . مهتر ناحیه و سرزمین رئیس ده، رئیس قریه در برخی از ابیات مراد زرتشتی است. چون اکثر دهاقین، تاریخ پادشاهان دانستند، به معنی مورخ هم استعمال می

لهذا فردوسی و نظامی قصه را به پیر دهقان نسبت اند. چون ناقل اخبار و سنن روایات ایرانی در آغاز اسلام دهقانان ایرانی بودند، بدین معنی آمده است. مورخ، حافظ روایات و اساطیر کهن ایرانی، از ی روایات داستانی و تاریخی پیش از اسلام زگر، صاحب زمین و تاک.»

واضح است که از معانی فوق چه ی دهقان

ی فردوسی دریافت می شود، معانی ابتدایی

. **ذبیح الله صفا تاریخ ادبیات ایران** در این باره

گوید: «دهقانان یک طبقه از مالکان بودند که در

ی ساسانیان (و چهار پنج قرن اول از عهد اسلامی)

در ایران زندگی می کرده و یکی از طبقات اجتماعی فاصل

میان طبقه ی کشاورزان و اشراف درجه ی اول را تشکیل

«اشرافیت ارضی» .

زندگانی این دسته در کاخ هایی که در اراضی خود

گذشت و به وسیله ی روستائید

بهره برداری می نموده و در جمع آوری مالیات اراضی با

دولت ساسانی و سپس در عهد اسلام با دولت اسلامی

همکاری داشته اند و تا حدود حمله ی مغول به تدریج بر

اثر فتنه ها و آشوبها و تضییقات گوناگون از بین

رفتند. اینان در حفظ نژاد و نسب و تاریخ و رعایت

گیری خاص می‌کردند و به

همین سبب است که هر وقت در دوره «دهقان نژاد» بدانند، مقصود صحت نژاد ایرانی اوست و نیز به همین دلیل است که در متون فارسی قرون پیش از «دهقان» به معنی ایرانی و مقابل « » « » نیز استع .»

محمد امین ریا نیز در **سرچشمه‌های فردوسی شناس** دهقانان را آزادگان و نژادگان ایرانی معرفی کرده است که هر یک مالک ناحیه ناحیه‌ی خود را به عهده داشتند. بعدها یعنی در قرن پنجم و ششم همین دهقانان را «رئیس» نامیدند. شود معانی همچون رئیس اقلیم و مهترده که دهخدا ذیل واژه‌ی دهقان آورده است، به ین

بنابراین خانواده

اند و مسلماً فردوسی نیز از خاندان خود اموال و املاک بسیاری به .
توان گفت که فردوسی در .
مالی نداشته و روزگار را با آرامش و آسودگی خاطر طی
بینیم
که حاکی از شکایت شاعر از فقر و نداری خویش است.
برای نمونه اشعار زیر از وضعیت نابسامان
کند. این اوضاع
نابسامان چنان به شاعر فشار آورده است که آرزوی مرگ
:

زمانه مرا چون

مرا مرگ بهتر بد

در هیزم و گندم و ببست این برآورده

آور که از چنین بود تا بود

(/ / -)

یا در آغاز داستان رستم و اسفندیار شاعر به حال کسانی
غبطه می‌خورد که وضعیت مالی بسامانی :

کنون خورد باید که می بوی مشک
آید از جویبار

هوا پر خروش و
زمین پر زجوش

جام	نبید	برید
مرا	نیست	فر
مرآن	راکه	هست
	زیر	دست

(/ / -)

و نمونه‌های دیگر. پس رابطه‌ی این اشعار با استطاعت
شاعر در چیست؟ در جواب باید گفت که «در خانه
نشستن و تاریخ سرودن و شاهنامه گفتن او را از امر
ملاکی و زمین‌داری و رسیدگی به اموال خود باز داشته
است. به تدریج از مایه خورده و بی بضاعت شده است.»
بنابراین این اشعار (شکایت از نداری و فقر) به واسطه
و اواخر کار شاعر باز می‌گردد. هنگامی که دیگر شاعر
هیچ در چنته نداشته است. البته بنا به گفته
ظاهراً کسانی بودند که به شاعر مساعدت مالی می

و او را از لحاظ مالی تأمین می
آسوده به رسالت بزرگ خود، یعنی سرودن کتاب، مبادرت
ورزد. یکی از این افراد مهتری از مهتران شهر طوس
اما دیری نپایید که شاعر او را از دست

داد. دیگری حسین قتیب بود که حتی خراج سالانه
را نیز پرداخت می‌کرد. علی دیلمی نیز یکی دیگر از

این افراد بود که از لحاظ مالی شاعر را زیر پرو بال
 عنایت خود قرار می .
 و ادیبانی نیز بودند که با وجود آن که گفته های شاعر
 شنیدند و حتی از روی آن نسخه بر می
 تنها به احسنت و آفرین گفتن اکتفا می کردند و دیگر
 هیچ. شایسته است در این باره ابیات شاعر را نیز نقل
 کنیم:

نباشند یکسر همه		
رایگان		
نشسته نظاره من	تو گفתי بدم پیش	
جز احسنت ازیشان		
د بهره	شان زهره	
های کهن		
بسته شد	دلیم خسته شد	
از این نامور	علی دیلمی بود کو	
نامداران شهر	راست بهر	
که همواره کارش		
حسین قتیب است از	که از من نخواهد	
ازویم خورو پوشش	سخن رایگان	
و سیم و زر	وزو یافتم جنبش و	
نیم آگه از اصل و	همی غلتم اندر	
	میان دواج	
	(/ / -)	

مذهب فردوسی

مذهب فردوسی چهار عقیده وجود دارد:
 - ای از جمله
 وصف چهار خلیفه اشعاری دارد، بنابراین سنی است.